

مقدمه

هدف تعیین شده برای درس اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، آشنایی دانشجویان و دانش‌پژوهان با تحولات، تفکرات سیاسی و نحوه اندیشه و تأمل متفکران سیاسی اسلام است. برای انجام یافتن این مهم مشکلات بسیاری وجود داشته و دارد؛ از جمله ناکافی بودن تحقیقات و پژوهشها در مورد اندیشمندان و آثار آنان. هنوز بخش مهمی از آثار به صورت خطی و چاپ نشده باقی مانده و آن میزان نیز که چاپ منقحی از آنها صورت گرفته، مورد پژوهشهای جدی واقع نشده است. بدیهی است تا کتابها، رساله‌ها و مقالات متعددی در باره چگونگی و کیفیت اندیشه و آثار نوشته و منتشر نشود به سختی می‌توان، گزارشهای قابل اطمینانی در قالب کتابهای درسی به دست داد. در همین راستا باید به عدم تقسیم‌بندی قابل اطمینان نحله‌ها و آثار در حیطه اندیشه سیاسی نیز اشاره کرد؛ البته، در این زمینه تلاشهایی از سوی پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی صورت گرفته است. طباطبایی، پژوهشگر ایرانی، در تقریباً تمام آثاری که منتشر کرده دسته‌بندی سه‌گانه فلسفه، شریعت و سیاستنامه‌نویسی را محل اعتبار دانسته است. دیگر پژوهشگر ایرانی از پنج قالب فکری با عناوین شیوه فقهاتی، شیوه ادبا (اندرزنامه‌نویسی)، شیوه تاریخی، شیوه عرفانی و سرانجام شیوه فلسفی نام برده است.^۱ لمبتون، روزنتال و دیگر پژوهشگران خارجی نیز تقسیم‌بندیهایی را در زمینه‌های فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی علما و ... در آثار خود منعکس ساخته‌اند.

بررسی هر یک از این تقسیم‌بندیها از حوصله کتاب حاضر خارج است. این کوششها در جای خود به اندیشه‌ها و تأملات در حیطه اندیشه سیاسی، یاری رسانده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد تا زمانی که اطلاعات و گزارش در باره اندیشمندان و چگونگی اندیشه

۱. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳)؛ معرکه جهان بینیها؛ ص ۱۲۹-۱۳۰.

آنان و آثار باقیمانده به غنای لازم نرسد، امکان به دست دادن تقسیم‌بندیهای اندیشه‌ای، بیشتر برخاسته از حدس و گمان است. بافت اثری فراموش شده یا اثری که مورد توجه قرار نگرفته ممکن است در شناسایی اندیشه یک متفکر، تغییراتی ایجاد کند و بالطبع در تقسیم‌بندیهای کلی نیز مؤثر واقع شود. هرگونه تقسیم‌بندی و نگاه قابل و ثوق به کلیات اندیشه‌ای در پهنه سرزمینهای اسلامی، نیازمند انبوهی از مطالعات موردی است.

دو مشکل مزبور، یعنی کمی و نارسایی مطالعات موردی و فقدان تقسیم‌بندیها و ارائه چهارچوبهایی که دسته‌بندی منظم و قابل درکی از روند عمومی اندیشه و متفکران سیاسی به دست دهد، با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند. لازم است یادآوری کنیم که نارسایی مطالعات موردی، در حیطه اندیشه تشیع و آثار شیعی آشکارتر است. بحث و گفتگو در باب چهارچوبهای اندیشه سیاسی شیعی و نسبت آن با آموزه عمومی این مذهب و همچنین یافت و احیای آثار شیعی ضرورتی انکارناپذیر است. توجه به آثار خطی منتشر نشده یا چاپ سنگی که در حال حاضر کمتر در دسترس پژوهشگران است، بالطبع به رشد مطالعات شیعی کمک خواهد کرد. با اینکه این مهم برای تمام ادوار مورد تأیید است، توجه خاص به آثار فراموش شده یا کمتر مورد عنایت قرار گرفته، در چند قرن اخیر یعنی از زمان صفویه به این سو که به دلایل مختلف برای جامعه ایرانی و نسبت آن با غرب اهمیت بسیار دارد، یک فرض است. واضح است که مشکلات یاد شده خالی از اشاراتی به حساسیتهای قومی، فرقه‌ای و عدم سازماندگیهای مالی و آموزشی متناسب در گوشه و کنار سرزمینها و جوامع اسلامی نیست.

با توجه به مشکلات یاد شده، باید گفت کتاب حاضر که اولین کتاب در این زمینه در ایران به شمار می‌آید نمی‌تواند و نباید داعیه‌دار جامعیت و موفقیت‌های بسیار پژوهشی بوده باشد؛ از این رو، کار ساده‌ای است که با تمسک به غیبت نام اندیشمندان، اثر یا نکته‌ای، به خرده‌گیری از کتاب برخاست؛ با این حال، مناسبتر است کلیت کتاب به لحاظ دربرگیرندگی آراء و کیفیت مباحث با توجه به مشکلات و آثار موجود سنجیده شود. بدیهی است که راهنمایی، پیشنهادها و نقادی صاحب‌نظران به غنای مطالب خواهد افزود. با این توضیحات به اجمال به نکاتی درباب کتاب حاضر اشاره می‌شود.

۱. پژوهش در اندیشه‌های سیاسی مسلمانان، این سؤال را به ذهن می‌آورد که منبع یا منابع مؤثر در شکل‌گیری این اندیشه‌ها کدام است. بدیهی است این اندیشه‌ها به دلیل تعلق اندیشه‌پردازان به عالم اسلام و بهره‌گیری از تعالیم و الهامات و قرائتهای

اسلامی، اندیشه‌های سیاسی در اسلام یا اندیشه‌های سیاسی مسلمانان نامیده می‌شوند، ولی این امر مانع توجه به دیگر منبع یا منابع مؤثر در این اندیشه یا اندیشه‌ها، صرف نظر از الهامات و تعالیم عمومی برخاسته از تفکر اسلامی نمی‌شود. مطالعه بخشهای این کتاب نشان خواهد داد که بجز تعالیم و الهامات اسلامی، سه منبع در شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی مسلمانان نقش آفرینی کرده‌اند. بدون تأکید بر اهمیت و تقدم و تأخر آنها می‌توان گفت این منابع عبارتند از:

الف) سنتهای حکومتی و ملکداری ایران باستان،

ب) فلسفه و بویژه فلسفه سیاسی یونان باستان،

ج) رفتارهای ریشه‌دار در آداب و باورهای اعراب.

در صفحاتی از کتاب که امکان اشاره به این منابع و پردازش بیشتر نقش آفرینی آنها وجود داشته توضیحاتی داده شده است. هر چند تفکر در مورد این منابع مؤثر، نیازمند چهارچوبهایی خارج از کتاب حاضر است. این منابع به گونه‌های مختلف دستمایه‌هایی برای اندیشمندان یا تولیدکنندگان قدرت سیاسی در عالم اسلام واقع شده است.

۲. اندیشه‌های سیاسی در اسلام، به طور کلی در حول یک محور تمرکز یافته است: حکومتگر در قالب خلیفه، امام و سلطان بیشترین حجم و توجه آثار سیاسی را به خود اختصاص داده است. نیازی به توضیح نیست که مسأله حکومتگر با توجه به مفروض ضروری بودن حکومت در میان عموم مسلمانان موضوعیت یافته است. جز معدود افراد معتزلی یا فرقه‌های خارجی، تمام مسلمانان بر ضروری بودن حکومت اجماع دارند. به دنبال این اجماع است که فرد حاکم، محور اصلی تأملات سیاسی قرار می‌گیرد. مسلمانان در باب چگونگی مشروعیت حاکم، ویژگیهای آن و نسبتی که وی با جامعه و اقشار اجتماعی برقرار می‌کند نظر واحدی ندارند؛ از این رو، مباحثی چون نظامهای سیاسی شیعه و سنی یا اندیشه‌ورزیهایی از سوی علما، فلاسفه و اندرزنامه‌نویسان پا به عرصه حیات می‌گذارد. نسبت میان فرد حاکم و نهاد حکومت با شرع از یک سو و قوه قهریه از دیگر سو، مهمترین نسبتها را در تأملات سیاسی از آن خود می‌سازد.

۳. به رغم مشکلات مطالعات موردی و نبود تقسیم‌بندیهای اطمینان‌آور در تجمیع اندیشمندان و آراء همسو و نزدیک به هم، در کتاب حاضر سعی شده که طی پنج بخش، چهارچوبهای مناسبی از مسأله سیاسی و شرایط آن و نحوه نگرش اندیشمندان

درگیر با آن فراهم آید. برای کمک به انتظام ذهن خواننده، در ابتدای هر بخش کلیاتی از نحوه نگرش این اندیشمندان آمده و همچنین به برخی از اندیشمندان یا موضوعاتی که دید وسیعتری را برای درک عمومی آراء و نظریات آن بخش به وجود می‌آورد، اشاره گردیده است. در بخشهای پنجگانه، پیدایش و تحول اندیشه‌های سیاسی و مهمترین متفکران از زمان رحلت پیامبر گرامی اسلام تا چند دهه اول قرن چهاردهم هجری قمری پی گرفته شده است. با اینکه در تنظیم بخشها، سیر تاریخی دور از نظر نبود، آنچه مرکزیت بخش را تأمین می‌کند، وحدت موضوع است.

۴. همان‌طور که در مورد سوم اشاره شد، نقطه آغاز پژوهش ما، رحلت پیامبر اسلام و مرحله پایانی آن در چند دهه پیش قرار داده شده است. این انتخابها در اساس با برنامه مصوب وزارت علوم منطبق است؛ اما برای ایضاح بیشتر در ابتدای بخشهای اول و پنجم توضیحاتی در مورد انتخاب نقاط آغازی و پایانی آورده شده که خوانندگان برای آشنایی با دلایل این انتخابهای زمانی می‌توانند به کلیات بخشهای مزبور رجوع کنند.

۵. در نگارش کتاب، اصل بر توازن و احتیاط در ارائه مباحث بوده است. منظور از توازن این است که هر جا دلایل یا نگرشهای مخالف، ولی مهم در تشخیص جایگاه و نحله فکری یا آموزه‌ها در کار بوده، به آنها توجه شده است. از باب احتیاط هم می‌توان چنین گفت که کتابهای درسی جایگاه مناسبی برای نظریه پردازیهای دور و دراز نیست و این‌گونه نظریه پردازیهها باید در پژوهش و مطالعات موردی یا عمومی صورت گیرد و زمانی که از قوام و اعتبار لازم برخوردار شد، در کتابهای درسی گنجانده شود. به همین اعتبار، با وجود بررسی و نقد آراء و اندیشه‌ها در جای‌جای کتاب، نگارنده در اساس خود را ملزم به توضیح و شرح اندیشه‌ها دانسته است. تا چنین شرح و توضیحی از آراء و اندیشه‌ها صورت نیندد، نمی‌توان دانشجویان و دانش پژوهان را به حیطة نقد و داوری راهنمایی کرد.

۶. در هر فصل یا در صورت لزوم در کلیات و به تناسب اندیشه‌ها، افراد، رویدادها و منابع لازم معرفی شده‌اند و در پایان هم مشخصات کتابهای بیشتری برای مطالعه آمده است. با امید به اینکه کتاب حاضر در پیشبرد مطالعات اندیشه سیاسی در ایران سهمی را از آن خود سازد.

حاتم قادری

۱۷ شهریور ۱۳۷۶